

## چابهار

### امان گلوی خمیر

شهرستان چابهار (چاه‌بهار) یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است. مرکز این شهرستان شهر چابهار است. شهرستان چاه‌بهار، در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته و فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۶۹۱ کیلومتر است. این شهرستان ۳ مرکز شهری و ۵ بخش، ۱۱ دهستان و ۵۹۲ آبادی دارای سکنه دارد. در این گفتار به بررسی بخشی از سنت وسیع پزشکی این منطقه می‌پردازیم.

### داروهای گیاهی

**پنیر باد (paintbad):** در منطقه گرم و خشک روی کوه‌ها می‌روید و بوته‌ای با دانه‌های ریز مثل نخود دارد. برای درد شکم ابتدا دانه کوبیده شده با آب مخلوط سپس صاف کرده، آبش را می‌خورند.

**گردر (gorderra):** درختچه بوته‌ای که برگ آن برای درد دست و پا و استخوان مصرف می‌شود مثل تره‌تیزک تیغ‌دار و تلخ است.

**بیتران (biterân):** گیاه بوته‌ای که در نواحی بیابانی کوهپایه‌ای می‌روید و برگ‌های سوزنی شکل و مزه گس دارد و برای جلوگیری از استفراغ مصرف می‌شود همچنین برای دل‌پیچه مفید است.

**سیسوک (sisuk):** نوعی گیاه بوته‌ای است که با بلانور مخلوط می‌کنند و می‌جوشانند و برای جلوگیری از سرفه به‌خصوص برای بچه‌ها مفید است.

**بلانور (balânur):** نوعی گیاه بوته‌ای است که با سیسوک مخلوط می‌کنند و می‌جوشانند و برای جلوگیری از سرفه به‌خصوص برای بچه‌ها مصرف می‌کنند.

**ازگند (ezgend):** را برای جلوگیری و از بین بردن سردرد دود می‌کنند و بچه‌های تازه به دنیا آمده را با آب آن می‌شویند تا بدنش پس از تولد تمیز شود.

**پیرچینگ (pirčinak):** گیاهی شبیه نعناست که برای طعم خوبی که دارد معمولاً داخل خرما و کشک می‌ریزند و برای درد شکم نیز با شکر مخلوط می‌کنند و می‌خورند.

**موروسک (murusek):** شیره این گیاه از کشورهای خارجی می‌آید و به بچه کوچک پس از بیدار شدن حدود ساعت‌های ۹ صبح می‌دهند تا مجدداً راحت بخوابد.

**کلپورگ (kalpurag):** برای اسهال و استفراغ مصرف می‌شود.

**کلنپر (kalnapor):** به خاطر خوشبو بودن دانه آن را سوراخ می‌کنند و به گردن بچه‌ها آویزان می‌کنند که بوی بد باعث مریضی نشود.

**کپرا (keprâ):** گیاهی خوشبو است و میوه نخودی‌شکل دارد و از پاکستان و هندوستان می‌آورند.

**ازبوتک (esbutak):** را برای از بین بردن نفخ شکم می‌خورند. برگ درختچه از پاکستان و امارات می‌آید. همچنین برای سرفه و سبک شدن معده تجویز می‌شود.

**زهرین کرک (zahrinkarak):** برگ پهن آن را سوراخ می‌کنند و برای یرقان به گردن آویزان می‌کنند.

**هنگ (henog):** شیره درخت انگوزه برای پیش‌گیری از اسهال و استفراغ مفید است.

**شیره دک (širadak):** برای کامل شدن دوره شکستگی و محکم شدن محل شکسته شده با پارچه می‌بندند (چسبناک).

**بینگ (عسل) (bing):** برای رفع زردی صورت بچه خورانده می‌شود.

**سیاهین یا سپنتان (siyâhin septân):** را با حنا مخلوط می‌کنند و به دام‌ها می‌خورانند و برای بچه‌های کوچک برای دفع ارواح خبیثه دود می‌کنند.

**سیاهین هلین (siyâhinhelin):** برای سرفه؛ میوه نوعی درخت به رنگ سیاه.

**سهرین سپنتان (sohrinseptân):** به نوزادان قبل از اینکه چیزی بخورد هفت دانه می‌دهند برای جلوگیری از درد شکم و دفع و تخلیه کامل معده (اسفند سرخ رنگ).

**مورد (murd):** گیاهی که از خاکستر آن برای بند آوردن خون به خصوص در ختنه کردن کودک پسر استفاده می‌شود.

**رگانچیچ (rogânič):** نوعی علف که در دشت‌ها و کوهپایه‌ها زیر درختان می‌روید. برگ‌های این گیاه خوردنی است و برای رفع شکم‌درد و از بین بردن کرم‌های روده‌ها بسیار مناسب است. اغلب گیاه رگانچیچ بعد از بارش باران می‌روید.

**اپرتاگ (apartâg):** نوعی علف (گیاه) سوزنی‌شکل همانند ساقه پیاز و تلخ است که برای از بین بردن کرم‌های روده مناسب است.

**برگ بید (bid):** شاخ و برگ این درخت حتی برای حیوانات نیز قابل مصرف نیست فقط برگ جوشانیده و صاف‌شده آن برای رفع دل‌درد نوزاد کودک بسیار مفید است.

**کرک (karak):** نوعی گیاه درختچه‌ای که دو نوع شیره دارد شیره سفید رنگ و شیره تلخ (زه‌رین شیره) که در طب سنتی برای تسکین درد بسیار مفید است. به کرک در اصطلاح گویش جدگالی اک (ak) گفته می‌شود.

**گلمیره (golmira):** نوعی گیاه بوته‌ای است با گل‌های زردرنگ که حتی پس از خشک شدن دوباره سبز می‌شود. گلمیره با سایر گیاهان می‌میرد ولی پس از مردن یا خشک شدن همه گیاهان، دوباره سبز می‌شود. از خشک شده این گیاه برای سقط جنین نیز استفاده می‌شود.

### داروهای غیر گیاهی و روش‌های درمانی

**چلک (člek)** یا موی بز: خاکستر موی بز با عسل مخلوط شده را برای درمان زخم روی آن می‌مالند.

**زک (zak):** پوست تازه گوسفند و دباغی شده: از پوست گوسفند تازه به دنیا آمده برای قسمت شکسته شده استخوان (مخصوص استخوان دست و پا) که خوب جوش نخورده استفاده می‌شود.

**زارگ (zârg):** یا کیسه صفرا بز کوهی، قوچ و گرگ: کیسه صفرای این حیوانات با زعفران مخلوط شده و برای رفع سردرد مزمن بسیار مفید است.

**گرکوت (garkut):** از پشت ماهی درست می‌شود. کوبیده شده آن با آلبیمو مخلوط شده و برای درمان درد گوش (با ریختن داخل گوش) استفاده می‌شود.

**تنپاکو یا تنپاکو آب جوشانیده شده تنپاکو و دود سیگار برای درمان درد گوش استفاده می‌کنند.**

**ماهی کوسه** از گوشت ماهی کوسه برای معالجه رماتیسم یا استخوان درد استفاده می‌شود.

**تخم تراد (terad):** تخم تراد را با اسپندانه در آب مخلوط کرده و برای درمان مارگزیدگی استفاده می‌کنند تا زهرش کشیده شود.

**ماهی تن** برای بیرون رفتن سرخک از بدن معمولاً غذای گرم از جمله ماهی تن خورده می‌شود.

**عقیق داغ** برای رفع سرفه طبیب از داغ کردن عقیق که سر سوزن قلاب بافی محکم شده است، استفاده می‌کند. طبیب با عقیق داغ ۷ قسمت از بدن (۴ داغ در جلوی سینه و ۳ داغ در پشت بین دو کف روی ستون فقرات) را داغ می‌کند.

### مداوای بیمار با داغ کردن

داغ کردن معمولاً برای رفع سردرد در شقیقه و بالای پیشانی و پشت سر انجام می‌شود. برای مشخص شدن رگ‌ها لنگی به گردن بیمار می‌بندند و آن را محکم می‌کشند تا رگ‌ها مشخص شود. علاوه بر سر درد، در مورد شکستگی یا جابجایی دنده‌ها نیز اطراف محل ضرب خوردگی داغ می‌شود. برای رفع شکم دردهای دائمی یا ضرب خوردگی قسمتی از شکم، اطراف آن را داغ می‌کنند، بیماری خوره نیز (در هر کجا باشد لب و دماغ) با سوزاندن معالجه می‌شود.

**نحوه داغ کردن** یک منقل آتش آورده و دو عدد میخ ته‌گرد ۵ سانتی را (به طوری که ته آن در آتش قرار گیرد) در میان آتش قرار می‌دهند برای مثال اگر بیمار از ناحیه سمت چپ زیر دنده (محل سمت چپ معده) اظهار درد و آسیب بکند به شرح زیر انجام می‌شود: ابتدا بیمار را دوزانو کنار منقل می‌نشانند سپس پیراهن بلند او را (پیراهن بلوچی) را بالا می‌زنند یک نفر پیراهن او را و دو نفر دست‌های او را بالای سرش محکم می‌گیرند و دو نفر دیگر با تکیه دادن زانوی پای خود و ران بیمار که به حالت دو زانو کنار منقل نشسته مانع از حرکت یا باز شدن ران از ساق پای بیمار شوند (بیمار نتواند بلند شود). بیمار به خاطر رفع درد، اثر داغ را تحمل می‌کند تا از درد مزمن رها شود. بعد از سرخ شدن (داغ شدن) میخ، طبیب نقطه درد را روی شکم بیمار با مالیدن دست مشخص می‌کند و با ناخن انگشت سبابه روی تن دایره‌ای کشیده و با ذکر بسم‌الله الرحمن الرحیم با انبر دم میخ را گرفته و در محل مورد نظر می‌گذارد. با کباب شدن تن (نقطه مورد نظر) و سوزش آن بلوچ معتقد است که دردش فراموش خواهد شد. طبیب با تکرار این کار چند داغ دیگر دایره‌وار روی بدن بیمار می‌گذارد.

### چالکی (شکسته‌بندی)

چالکی (câlki) در اصطلاح بلوچی به شکسته‌بندی چالکی و به شخص شکسته‌بند نیز در اصطلاح چالک می‌گویند. چالک بعد از تشخیص شکستگی (به خصوص ساعد پا و دست) حدود ۲۰-۱۵ سانتی‌متر چوب درخت خرما (چوب خوشه خرما) را صاف و تخت کرده در محل شکسته قرار می‌دهد سپس با ۳ یا ۴ عدد نخ به هم می‌بندد. قبل از بستن چوب در محل شکسته پنبه یا پارچه نرم و گاهی آغشته به زرده تخم‌مرغ قرار می‌دهد. موقع جا انداختن دست، از روغن برای نرم شدن پوست و برای حرکت سریع دست برای جا انداختن استخوان استفاده می‌شود.

برای درمان دررفتگی مفاصل (به خصوص دست و پا) بعد از مالیدن روغن و جا انداختن، روی آن برگ سدر می‌ریزند و از شیره دک (dok) درختچه سفیدرنگ (که موقع خشک شدن سیاه می‌شود) استفاده می‌شود.

برای درمان کوفتگی از مخلوط روغن و زردچوبه که در اصطلاح هلگ‌دار (helegdâr) می‌گویند استفاده می‌شود. بعد از مالیدن روغن مخلوط خرما و روغن روی پارچه‌ای تمیز گذاشته شده و روی کوفتگی می‌گذارند. چالک با دست زدن، شکستگی یا درآمدگی و یا کوفتگی را تشخیص می‌دهد.

### تشخیص حاملگی و جنسیت جنین

زن طبیب یا جنبر (janbor) با توجه به حالت‌های ظاهری زن تشخیص جنین می‌کند. - کامور (kâmur)، در این حالت تمام صورت زن حامله حالت سوختگی پیدا می‌کند در این صورت جنین دختر است.

رام (râm)، در این حالت قسمتهایی از صورت مانند روی بینی و روی گونه‌ها و روی ابروهای زن حامله خط‌های سیاه و خال می‌افتد، در این صورت جنین پسر است.

## بیماری‌های روحی و روانی و روش‌های درمان آن

اعتقاد به ارواح و تسخیر انسان‌ها و توسل به مراسم مختلف همراه با ساز و آواز دسته‌جمعی (متن آوازهای گواتی اغلب، مدح و ستایش خداوند، پیامبر و اولیای خداست) و رقص برای بیرون آوردن آن‌ها و دادن نیاز، قربانی و صدقه به گردانندگان این مراسم از عادات بلوچ‌هاست. متصدیان را بابا و ماما می‌گویند.

**گوات (guwât):** معنی تحت‌اللفظی گوات، باد یاها است. گواتی به بیماری گفته می‌شود که گوات یا باد در جسم او حلول کرده و تعادل روحی، روانی و جسمی او را برهم زده است. در اصطلاح عوام به این‌گونه اختلالات روانی جن‌زدگی هم گفته می‌شود. بیماری گوات در مکران، به ویژه شهرستان چابهار نوعی بیماری روانی است که بیشتر در زنان بروز می‌کند. اعتقاد به وجود بیماری‌های مرموز و پلید نه‌تنها در شهرستان چابهار، بلکه در کل نواحی ساحلی دریای پارس وجود دارد. هریک از گوات‌ها یا بادها یا هوا یا ارواح مرموز به علت چگونگی تأثیرشان بر شخص تحت عناوین گروه‌بندی می‌شوند. تنها موسیقی قادر است ارواح مرموز و پلید را از وجود بیماری طرد کند. بیماری گواتی در اصل ناشی از نارسایی‌ها، کمبودها و محرومیت‌هایی است که درون شخص را در طول زمان به خود معطوف کرده و نهایتاً به صورت عقده‌ای روانی تظاهر می‌کنند.

مراسم گوات را گواتی امات (guwâtiemât) یا مادر گوات رهبری می‌کند. رهبری گوات بر عهده زن است. وظیفه گواتی امات، تشخیص وجود گوات در بیمار و تعیین درجه حدت یا بهبودی گوات طی مراحل مختلف است. انواع گوات یا باد عبارت‌اند از:

**دمال (damâl):** دمال در مردان بروز می‌کند. رهبر دمال را خلیفه گویند. این مراسم نیز با موسیقی تحرکات شدید جسمانی و دعا و نیایش همراه است. در گوات و دمال تقریباً از کلیه سازهای بلوچی، به ویژه سرود، تمبورک، و دهلک استفاده می‌شود.

**متاری (motâri):** مسلمان است، سبب تشنگی شدید می‌شود و بیمار رو به دریا می‌رود. به او نمک و آب می‌دهند، فریاد وحشتناک می‌کشد. این باد افریقایی است.

**نوبان (nuban):** عاشق انسان می‌شود و او را نابود می‌کند. سبب تورم بیضه مرد و بزرگی شکم زن می‌شود بیمار از حرف زدن می‌ماند و لباس‌های خود را پاره می‌کند و سبب فریاد زیاد می‌شود. این باد نیز افریقایی است.

**کت میری (katmiri):** نیز افریقایی است و سبب لرزش بدن و سردرد شدید و پیچیدن سفیدی چشم و گاه فلج یا ورم بدن و بی‌غذایی و قفل شدن دهان می‌شود.

**مه پی‌پا (mepipâ):** سبب سردرد شدید، فلج دست و پا و پاره کردن لباس و خودکشی می‌شود این باد جنگلی است.

**می یاسا (miyâsâ):** بسیار تند و خطرناک است، جنون می آورد و گاه شدید و گاهی بی صدا و بی حرکت می شود. این باد نیز افریقایی است.

**هونگو (hungu):** جنگلی و بسیار خطرناک است، سبب خارش بدن و کم‌اشتهایی و لاغری می شود. **لیوا (liwâ):** اغلب دو نوع است: یک نوع به نام لوم و معمولاً بی خطر و بی کینه است. در مجلس آن نباید با کفش وارد شد.

**سرون (sarwan):** بیشتر در منحرفان جنسی دیده می شود. صاف و بی خطر است.

**حبن (hobban):** باد افریقایی است، بیمار دچار تپش قلب شدید می شود، سردرد و کمی خارش دارد.

**بلو (bellu) (تنی یلو) (taniyalu):** بلوبلوچی است. رنگ بیمار مبتلا به آن زرد می شود و خطرناک است. لرزش دار و صحرایی بوده و اغلب دشت نشین‌ها به آن مبتلا می شوند و شبیه مالاریا است. خلیفه با تکان دادن سر و دست و حرکات موزون بلو را به نزد خود خوانده و همزمان شروع به رقص می کند.

**سودن (sudan):** باد افریقایی و خطرناک است. مبتلا را سریعاً هلاک می کند، ابتدا غش کرده، بعد دست و پایش فلج شده و قدرت خوردن و آشامیدن را از دست می دهد. بیمار علاقه به خوردن موش یا گلی کپوت، که شاید کنسرو سوسمار است، پیدا می کند.

**شرحه (sarha):** بادغربی است، بیمار حس بویایی خود را از دست داده و از غذا خوردن باز می ماند.

**زارها،** از زبان امپری به زبان عربی وارده شده است. عقیده عمومی بر وجود جنّی به نام زار است که از حبشه به جهان اسلام راه یافته است. زار به احتمال زیاد از سواحل افریقا و عربستان توسط سیاهان و جانسوها به سواحل جنوبی ایران رسیده است. هر زار چون خونی بنوشد از درون کالبد شخص مبتلا و از حنجره وی با بابا و مامای زار صحبت می کند و از موطن واقعی خود سخن می گوید. مرکز اصلی زارها را سواحل تشکیل می دهد.

زارها ۱۷ نوع هستند که پدر آنان ارنوند (arnund) و مادر آن‌ها برسات (barsât) است و بقیه فرزندان هستند. در این مجلس سوچکی (sučki) می سوزانند بابا (متصدی) زار چابهار، خلیفه پنجشنبه بوده که فوت کرده است. وی حدود ۲۰ سال در کراچی به تحصیل و آموختن دعاها، اوراد و شناسایی داروهای مختلف مشغول بوده است.

مامای زار چابهار زنی به نام ازگند بود که او نیز مدت زیادی از عمر خویش را صرف آموختن کرده است، و پس از خلیفه پنجشنبه درگذشته است. امروز شخصی به نام شیخ صابر قادری (متولد ۱۳۰۰ش) است و متصدی درمان بیماری‌های روحی و روانی در چابهار و منطقه است. انواع زارها عبارت‌اند از:

**ارنوند** کافر است و هنگامی که وارد بدن بیمار شد، شانه‌های او را در می آورد و بیمار را، زمین گیر می کند.

بابا و ماما، او را مشت و مال می‌دهند و دارویی به نام کست (قسط)، زعفران، ریحان و گلاب را به پشت او می‌مالند بزی ذبح کرده و خون خام آن را به بیمار می‌خورانند. بابا و ماما، او را با چوب خیزران می‌زنند تا زار بترسد و او را رها کند.

برسات نیز مانند ارنوند است.

ودل (wadal) مرد و کافر است بیمار مرکب خود را به جادو می‌فروشد و الا بیماری طول کشیده و کشنده است.

فاصل (fasel): مرد است و بیمار را دیوانه می‌کند، رنگ او سیاه می‌شود و چشم‌هایش حالت ترسناک پیدا کرده و هدیه می‌خواهد و مرکب خود را به جادو می‌فروشد.

کست (kost): خطرناک است و مرکب خود را به جادو می‌فروشد، اول درد شدید و بعد درد همگانی به وجود می‌آید.

دم‌فه (demfe): کافر و خطرناک است، قلب بیمار را به شدت به تپش وامی‌دارد و اگر به ماما و بابا نرسد، حتماً می‌میرد، به اصطلاح بی‌دل می‌شود. خون قربانی (بز) به او می‌دهند و گاه هدیه گرانبها.

ورد (ward): دست و پای بیمار باد می‌کند و وسط شانه وی درد می‌گیرد و مرکب خود را به جادو نمی‌فروشد. اغلب شفیع بیمار در مقابل سایر زارهاست.

اف‌ممیت (ofmomit): بیمار را دیوانه کرده و لباس‌هایش را پاره می‌کند، مریض ناآرام است و خود را بر زمین می‌کوبد.

شیخ سنگر (šix šangar): که به وسیله بابا و ماما دیده می‌شود و شبیه بلوچ‌هاست. بیمار به سینه‌درد، سردرد، شانه درد، و یا پادرد مبتلا می‌شود.

لوگیت زن است و بیمار را دیوانه می‌کند.

ادن (adan): زن است و بیمار را دیوانه می‌کند و شکم‌درد سخت می‌دهد که کشنده است.

ان‌بسو (anbasu): زن است، بیمار را دچار پادرد و دست درد شدید کرده که گاه منجر به فلج می‌شود. این زار، انگشتر نقره با نگین می‌خواهد.

اسکندر (eskandar): مرد است و برادر فاضل است، بیمار را دیوانه می‌کند و قلبش را به شدت می‌تپاند و مریض به سرعت ضعیف می‌شود.

رایلو (raylu): زن و خواهر اسکندر است، بیمار را از ناحیه شانه و قلب سخت می‌آزاد و او را ضعیف می‌کند و به او می‌گویند از بدن بیمار خارج شو که کست خواهرت را دزدیده است.

ادی‌کتو (edikatu): از دهان بیمار کف غلیظی خارج می‌شود و بیمار با خفگی جان می‌دهد.

یوسف (yusof): مرد است و سبب فلج شدن دست و پا می‌شود و قلب او می‌تپد و سردرد شدید می‌دهد.

انکولال (ankulâl): زن و خواهر یوسف است و نشانه‌هایش نیز همانند زار یوسف است.

**جن‌ها** جن‌ها کافر یا مسلمان و پنج نوع هستند:

بودو شاید بدوح باشد،

ملک القدس،

ملک الجبار،

مری این موجود همزاد پری بوده و از آن مخوف‌تر است او به هنگام حلول در کالبد انسان غیرقابل درمان است، مری از انسان‌ها متفر بوده و سرخ رنگ است.

پری بر سه گونه است: سبز پری، زرد پری و سرخ پری، پری موهایی مجعد و انبوه داشته و همچون انسان مذکر و مؤنث دارد. پری چون عاشق انسان شود، در جسمش حلول کرده و به آزارش می‌پردازد. برای طرد و متواری کردن پری هیچ ساز و آوازی کارگر نیست، تنها حضور مولوی است که می‌تواند با خواندن اوراد قرآنی مراتب علاج و رهایی بیمار را فراهم کند.

برای رفع جن‌زدگی، بابا و ماما دخالت ندارند، مگر در پری که انسان را عاشق می‌کند. ملا باید قرآن بخواند و یا دعا کند. باید مواظب بود که بچه‌های جن را لگدمال نکنند، یا روی آن ادرار نکنند، هنگام خوابیدن یا آب جوش ریختن یا ادرار کردن باید بسم‌الله گفت. پری‌ها گاهی عاشق انسان می‌شوند و بیمار دچار سردرد شدید و بی‌حال می‌شود. باید بابا و ماما او را مشت و مال دهند و با ساز او را نشسته برقصانند و زعفران و قسط و ریحان به او بمالند، و اوراد و دعا بخوانند که مخلوطی از زبان‌های فارسی، بلوچی، عربی، افریقایی و هندی است و اغلب غلط خوانده می‌شود و معانی آن را نمی‌دانند. جن‌ها که به صور گوناگون در پیرامون ما به سر می‌برند، گاهی چون جانوری نظیر موش، گربه از ورای اشیاء سر بر می‌آورند و زمانی به مثال آدمی از پس و پیش ما در گذرند. جن چون کسی را مورد ضرب و شتم قرار دهد شخص دچار نارسایی‌های عدیده خواهد شد. این موجود در خرابه‌ها زندگی می‌کند. در ایمنی کامل گزندی متوجه کسی نمی‌کند. اما در مواقع اذیت و آزار، انتقامجویی قهار هستند. جن‌های مسلمان با آدمی کاری ندارند.

**دیوها** همه کافر و بی‌رحم‌اند و اشکال عجیب و غریب دارند، دعا و قرآن در آن‌ها بی‌اثر است و جزو درندگان هستند. دیو سفید یا بلال از همه بدتر است و در جاهای خلوت یا در دریا سراغ انسان می‌آید.